

عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی دانشگاه
(مقایسه دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق با دانشگاه دولتی شهید بهشتی)*

دکتر نوروز هاشم زهی^۱، بهروز میرزا^۲، آذر رشتیانی^۳

چکیده

مقاله حاضر به دو پرسش اساسی به صورت مقایسه ای پاسخ می دهد. دانشجویان تا چه اندازه به برنامه های فرهنگی در دانشگاه گرایش دارند؟ عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی چیست؟ پژوهش در سطح همبستگی، علی و مقایسه ای با روش پیمایش انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته می باشد که بعد از برآورد اعتبار و پایایی در بین پاسخگویان توزیع گردید. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق تشکیل داده اند که ۳۵۹ نفر از شهید بهشتی و ۱۶۹ دانشجو از تهران شرق با فرمول نمونه گیری کوکران به عنوان نمونه آماری تعیین شدند. متغیرهای مورد سنجش برای عوامل مؤثر عبارتند از: میزان دینداری، گرایش به فرهنگ غرب، آگاهی از برنامه های فرهنگی، ارزیابی از تطابق برنامه های فرهنگی با نیازهای دانشجویان، ارزیابی از برنامه ریزی و اجرای برنامه های فرهنگی. فرضیه ها با کمک آزمونها و ضرایب آماری متناسب با نوع متغیرها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج نشان می دهد که هرچه میزان گرایش دانشجویان به فرهنگ غرب بیشتر باشد میزان گرایش آنان به برنامه های فرهنگی دانشگاه کمتر می شود. گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی در دو دانشگاه و میانگین ارزیابی دانشجویان از میزان برنامه ریزی و اجرای برنامه های فرهنگی در دو دانشگاه یکسان می باشد. دانشجویان دانشگاه تهران شرق در مقایسه با دانشگاه شهید بهشتی ارزیابی مثبت تری از میزان تطابق برنامه های فرهنگی دانشگاه با نیازهای خود دارند.

واژگان کلیدی: گرایش، آگاهی، دینداری، نیاز فرهنگی، برنامه فرهنگی، فرهنگ غرب

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۱۳

* این مقاله برگرفته از یک طرح پژوهشی است که با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی به انجام رسیده است.

۱ استادیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق و رئیس مرکز پژوهشهای اجتماعی کندوکاو (نویسنده مسئول) no_hashemzhi@yahoo.com

۲ استادیار و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق

۳ کارشناسی ارشد جامعه شناسی azarrashtiani@gmail.com

مقدمه

دگرگونی های اجتماعی آثاری مثبت و منفی به همراه دارد. این آثار گاهی هزینه های فراوانی به جامعه تحمیل می کند. در ادبیات علمی جامعه شناسی حتی برخی از مسائل اجتماعی از دگرگونی های سریع در جامعه ناشی می شود. جامعه ایران در دهه های اخیر با دگرگونی های فرهنگی و علمی و آموزشی همراه بوده است. امروزه یکی از حوزه های مطرح در توسعه و پیشرفت جامعه ایران افزایش استاندارد های آموزشی، پژوهشی و علمی است. کاهش اعتماد دانشگاهیان به برنامه های فرهنگی از پیامد های این پیشرفت به شمار می رود. این دغدغه وجود دارد که توسعه به تعارض های نسلی، تعارض های ارزشی و افول ارزشهای محلی و بومی و سنتی در جامعه و بویژه در دانشگاه منجر شود. همچنین این نگرانی وجود دارد که گسترش ارتباطات عمومی و سلطه آن بر حیات فرهنگی جامعه ایران و شهری، صنعتی و نو شدن یکنواختی و همנוایی منفعلانه در گرایش فرهنگی دانشجویان ایجاد کند و گرایش و استقبال آنان را از برنامه های فرهنگی دانشگاه کاهش دهد، به ویژه برنامه هایی که متکی بر فرهنگ دینی و هویت ملی و ارزشهای نظام جمهوری اسلامی تنظیم و اجرا می شود و بدنبال تحول فرهنگی در دانشگاه است. منظور از فرهنگ در این تحقیق بعد غیرمادی آن است هر چند فرهنگ مادی نقش موثری در فرهنگ غیرمادی و فرهنگ بطور کلی دارد. بررسی ها نشان می دهد پابندی به ارزش های دینی در میان دانشجویان به سستی گراییده است، تنها ۶۰ درصد از دانشجویان اظهار داشتند که به فرایض دینی عمل می کنند (زیبا کلام، ۱۳۸۰: ۹، به نقل از گلکار: ۲۳۲). با افزایش ترم اعتقاد به حجاب کاهش می یابد. ۱۷/۶ درصد از دانشجویان دارای امتیاز اعتقادات بالای مذهبی و ۶۶ درصد متوسط می باشند در طی سالهای ۱۳۸۴ - ۱۳۸۰ تنها ۴۸ درصد از دانشجویان به سیاست علاقه نشان می دادند و مابقی علاقه ای نداشتند. ۴۹/۵ درصد از دانشجویان اصلا در نماز جماعت شرکت نمی کنند ۲۶/۴ درصد آنها کم و ۲۰/۴ درصد به میزان زیادی در نماز جماعت شرکت می کنند (هاشم زهی، ۱۳۸۰).

ناتوانی دانشگاه ها و مراکز آموزشی و پژوهشی علمی کشور در اجتماعی کردن و انتقال ارزش ها و هنجارهای خویش به دانشجویان و اساتید و پژوهشگران را می توان ناشی از فقر فضای ارتباطی در این محیط های علمی است. (قانعی راد و قاضی پور، ۱۳۸۱). پژوهش تبیین مشارکت اجتماعی، فرهنگی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران که با حجم جامعه آماری ۱۵۲۳۵ نفر در سه دانشکده علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی و علوم پزشکی ایران انجام شده حاکی از آن است که مشارکت دانشجویان در تشکلهای دانشجویی ضعیف است (عبدالملطوب و جعفریان، ۱۳۸۱). تحول و دگرگونی ارزشها و کاسته شدن از اهمیت ارزشهای غیر مادی و افزوده شدن بر اهمیت ارزشهای مادی در دو دهه گذشته در جامعه ایران، فرایندی است که فقط به دانشگاه محدود نمی شود. با توجه به آنچه روند تحول گرایش دانشگاه و دانشجویان نشان می دهد این مقاله به این پرسشها می پردازد که: دانشجویان تا چه اندازه به برنامه های فرهنگی در دانشگاه گرایش دارند؟ و عوامل موثر بر گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی چیست؟

دانشگاه با پرورش انسان های توانا و فرهیخته و آموزش نخبگان و برگزیدگان یک جامعه، یکی از مهمترین نهادهای آموزشی در توسعه فرهنگی است. دانشجویان که وارد برنامه علمی می شوند، فرهنگ آن را تجربه کرده و از طریق یادگیری، تعامل با گروه آموزشی و هم ردیفان و ترکیب درفعالیت های آن به سمت زمینه های حرفه ای انتخاب شده، جامعه پذیر می گردند. همچنین در طول برنامه علمی خود، شرایط و اوضاع هم ردیفان را تجربه کرده، و در توسعه ظرفیت های لازم برای حرفه ای شدن در حوزه انتخابی خود، سرمایه گذاری می کنند. آنها همچنین خود را با فرهنگ سازمانی تطبیق می دهند (Weidman, J. c, 2008).

فرهنگ دانشگاهی از عوامل موثر بر توسعه علمی است (Chang, S., Yeung, Y., & Cheng, M. (2009). و بین چگونگی و مختصات فرهنگ دانشگاهی و میزان رشد و توسعه تولیدات علمی رابطه وجود دارد. حرکت در مسیر تحقق دانشگاه تمدن ساز و تربیت دانشجویان توانمند و تقویت کارکردهای دوگانه دانشگاه (تولید علم و تولید فرهنگ) نیازمند تقویت اجرای برنامه های فرهنگی متنوع و تاثیرگذار است. دانشجویان به عنوان یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین گروه های اجتماعی

همواره مورد توجه سیاستگزاران فرهنگی بوده اند. دو ویژگی جوان بودن دانشجویان و قرار گرفتن مستمر در معرض اطلاعات و توجه به جایگاه ویژه دانشجویان در شکل دهی به تحولات و انتقال ایده های اجتماعی به خانواده ها و گروه ها در سطح جامعه اهمیت بررسی موضوع را نمایان می کند بنابراین برنامه ریزی جامع جهت توانمند نمودن دانشجویان از جمله اقدامات اولیه برای کارآمد نمودن و فرهیخته نمودن جامعه بحساب می آید. از دید رهبران سیاسی، دانشگاه در راس امور قرار دارد و باید محل تربیت انسانهایی منطبق با آموزه های دینی اسلام شیعی باشد و نه محل ساختن انسانهایی به شیوه غربی. از این جهت برنامه های فرهنگی چنین دانشگاهی باید ویژگیهای خاصی داشته باشد. این برنامه ها باید الگویی ایجاد کند که در آن دانشگاه، استاد، دانشجو و علم دارای این صفات باشند: مستقل از غرب، اسلامی، خدمت کننده و متعهد به مردم ایران، مذهبی، دانشگاه محل تحصیل و تهذیب، متعهد به نظام جمهوری اسلامی، نوآور، استکبارستیز، حاکمیت ارزشهای دینی بر آن، برخوردار از تعمق و ژرف نگری، برخوردار از سرعت عمل، در دانشگاه تضارب آراء و افکار با سعه صدر توأم باشد، در دانشگاه توجه به دنیا و آخرت توأم باشد، دانشگاهی که در آن علم و دین همراه باشد، دانشگاهی که در آن کار سیاسی با سلامت نفس وجود داشته باشد، دانشگاهی که در آن وحدت هدف با تنوع رشته ها همراه باشد، دانشگاهی که در آن اخلاق با تلاش قرین باشد، دانشگاهی که بوسیله آن همه مشکلات جامعه حل شود، دانشگاهی که بوسیله آن فرهنگ مستقل شود، دانشگاهی که بوسیله آن کشور نجات پیدا کند، دانشگاهی که بوسیله آن کشور اصلاح شود، دانشگاهی که مبدأ همه تحولات باشد، دانشگاهی که در رأس امور باشد، دانشگاهی که مبدأ تعیین سرنوشت باشد، علمی که بومی باشد، علمی که مفید برای مردم ایران باشد.

سنجش نگرش های دانشجویان از بنیادی ترین ضرورتها در زمینه برنامه ریزی فرهنگی و تدوین راه کارهای توسعه فرهنگی در عرصه های دانشگاهی بوده و امکان شناخت دقیق نیازها و دغدغه های نسل جوان و دانشجو و نحوه پاسخگویی به آن را فراهم می سازد. این نیازسنجی به همراه امکان سنجی اجرای برنامه ها، برنامه ریزان و مدیران را قادر می سازد تا نقطه آغاز حرکت و فعالیت های خود را مشخص کرده و با چشم اندازی روشن از روش ها و ابزارها و نتایج، فعالیتهای فرهنگی را به پیش برند و از روند امور و تحولات احتمالی، پیش بینی و ارزیابی دقیق داشته باشند. بنابراین شناخت دقیق نیازها برای برنامه ریزی دقیق فرهنگی در جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و گذر از وضع موجود به وضع مطلوب امری اجتناب ناپذیر است. از آنجا که دانشگاه مهمترین مرکز تحولات اجتماعی و سیاسی در دهه های گذشته بوده است، با شناخت علل، عوامل و موانع گرایش به برنامه های فرهنگی تنش و تعارض در میان جامعه کاهش می یابد و این نیرو در خدمت جامعه قرار می گیرد. به هر حال ضرورت ارتقای برنامه های فرهنگی در دانشگاه ها امری است که با مبانی نظری و قانونی نظام جمهوری اسلامی ایران پیوند خورده است و ضرورت و توجه به امر فرهنگ و تلاش در جهت تربیت نیروی انسانی فرهیخته از جمله مفروضات اصلی به شمار می رود. دانشگاه مرکز فرهنگ سازی و تولید ارزش برای جامعه است. نظام اسلامی علی رغم تأسیس دهها نهاد و یا تشکل و مجموعه سازمانی در درون دانشگاه به نظر می رسد توفیق قابل قبولی در ارتقای سطح فرهنگی دانشجویان نداشته است. بنابراین انجام این پژوهش ضرورت آتی و کاربردی دارد.

اهداف تحقیق

هدف پژوهش در این مقاله بطور کلی شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی و پیشنهاد راهبردهایی به منظور بکارگیری نتایج آن در دانشگاه است و اهداف جزئی نیز عبارتند از:

- (۱) مقایسه گرایش دانشجویان دانشگاههای شهید بهشتی و دانشگاه آزاد تهران شرق نسبت به برنامه های فرهنگی دانشگاه.
- (۲) بررسی عوامل تأثیر گذار بر گرایش دانشجویان نسبت به برنامه های فرهنگی دانشگاه.
- (۳) شناخت میزان آگاهی دانشجویان از برنامه های فرهنگی دانشگاه.
- (۴) بررسی رابطه میان پایگاه اقتصادی و اجتماعی دانشجویان با گرایش آنها به برنامه های فرهنگی دانشگاه.

- ۵) ارائه راهکار برای اصلاح گرایشهای دانشجویان نسبت به برنامه های فرهنگی دانشگاه.
- ۶) شناخت رابطه میان میزان دینداری دانشجویان با نوع گرایش آنان به برنامه های فرهنگی دانشگاهها.
- ۷) بررسی رابطه بین ارزیابی از میزان تطابق برنامه های فرهنگی با نیازهای دانشجویان با گرایش آنها به برنامه های فرهنگی دانشگاه.
- ۸) بررسی رابطه بین میزان گرایش دانشجویان به فرهنگ غرب با میزان گرایش آنها به برنامه های فرهنگی دانشگاه.

پیشینه تجربی پژوهش

در انجام هر پژوهش علمی و هدفمند، مروری بر تحقیقات پیشین و مرتبط با متغیرها و اهداف تحقیق ضروری است. بدین منظور بررسی هایی جهت شناخت تحقیقات انجام شده و مرتبط با پژوهش حاضر صورت گرفته است.

• محمد عبداللّهی و محمد عثمان حسین بر در سال ۱۳۸۱ به مطالعه گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران پرداختند. کلیه دانشجویان پسر و دختر بلوچ که در سه دانشگاه سیستان و بلوچستان، علوم پزشکی زاهدان و آزاد اسلامی زاهدان در مقطع کارشناسی و بالاتر در نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۷۹-۱۳۸۰ در شهرستان زاهدان مشغول به تحصیل بوده اند جامعه آماری پژوهش آنها را تشکیل داده اند.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که ۱- جوانان ایرانی نگاهی ابزاری به هویت های جمعی از جمله هویت ملی دارند بطوری که با گروههایی در تعامل اند که منافع آنان را منعکس نماید. ۲- دانشجویان بلوچ بیشتر به گروههای محلی یا فراملی گرایش دارند بدین دلیل که اعتقاد دارند توزیع پاداش در حکومت جمهوری اسلامی ایران نه براساس ضوابط و شایستگی ها بلکه براساس نوع روابط و مذهب صورت می گیرد. ۳- دانشجویان بلوچ بیشتر به تعاملات درون گروهی با گروههای اجتماعی نخستین گرایش دارند چون در تعامل خود با دولت پاداش مناسبی دریافت نکرده اند.

• پژوهش بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان بر گرایش ها و رفتار آنان از فاطمه جواهری با روش تحلیل ثانوی است و اطلاعات آن برگرفته از یافته های طرح "سنجش گرایش ها، رفتار و آگاهی های دانشجویان دانشگاههای دولتی" است. این پژوهش براساس یک نمونه ۱۵۲۲ نفره از دانشجویان دختر و پسر در نیمسال اول ۸۱-۱۳۸۰ در ۲۰ دانشگاه تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تهران با روش نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای انجام گرفته است. از مجموع ۵۰ آزمون مختلف که رابطه پایگاه و برخی گرایش ها و رفتارها را بررسی نمود در ۳۶ مورد یعنی ۷۲ درصد از کل موارد تفاوت معناداری مشاهده شد. بنابراین جایگاه افراد در ساختار جامعه ایران در اغلب موارد به طور معناداری گرایش ها، ترجیحات و رفتار یا به عبارت دیگر منش آنها را از یکدیگر متمایز می سازد.

• پژوهشی توصیفی تبیینی با عنوان "بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه شیراز نسبت به برنامه های فرهنگی و هنری و عوامل موثر بر شرکت آنها در این فعالیت ها" توسط ملیحه نیک کار و همکاران در سال ۱۳۸۴ با جامعه آماری دانشجویان دانشگاه شیراز در گروهها و مقاطع مختلف آموزشی و با ابزار سنجش پرسش نامه کتبی (۱۴۰۰ پرسش نامه) انجام شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که میزان علاقه دانشجویان به برنامه های فرهنگی و هنری نسبتاً زیاد است و این افراد ضرورت برنامه های فرهنگی و هنری را در حد نسبتاً زیادی حس می کنند اما میزان آگاهی آنان از این برنامه ها بسیار ناچیز است. بنابراین بین سه متغیر علاقه، احساس نیاز به کسب اطلاع و آگاهی با میزان شرکت آنها رابطه مستقیم وجود دارد. آگاهی بیشترین رابطه را با شرکت دارد. به علاوه علاقه مندی در میان زنان، افراد مجرد و غیرشاغل، ساکنین شهرهای بزرگ، افرادی که پدر و مادر آنها از سطح تحصیلات بالایی برخوردارند، کسانی که وضع درآمد بهتری دارند و نیز دانشجویان مقطع کارشناسی و دانشجویان گروه آموزشی هنر و معماری بیشتر است.

در کنار مطالعات مذکور می توان به برخی از پایان نامه ها اشاره کرد که به مطالعه گرایش و نگرش پرداخته اند. علی اصغر صباغ پور در سال ۱۳۷۳ به بررسی نگرشهای سیاسی و مذهبی جوانان ذکور تهرانی (۲۲ تا ۱۷ سال) و عوامل مؤثر بر شکل گیری آنها

پرداخت. محقق مذکور پس از ارائه نظریات مختلف در باب گرایش و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن، مدل نظری خود را با التقاطی از نظریات ارائه می دهد. در این مدل محقق بیشتر از منظر روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی به تحلیل پدیده مورد بررسی می پردازند. طیف مورد استفاده در این پژوهش طیف لیکرت، و تعدادی طیف ترکیبی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل ۴ منطقه از شمال و جنوب شهر تهران بوده است. جوانان ذکور تهرانی در این ۴ منطقه (جامعه آماری) بالغ بر ۴۱۱۸ نفر و حجم نمونه این تحقیق ۲۱۶ نفر می باشد که ۱۳۶ نفر از آنان جوانان شمال شهر تهران و ۸۰ نفر آنان جوانان جنوب شهر تهران بودند. روش جمع آوری اطلاعات در این تحقیق روش مصاحبه همراه با پرسشنامه است.

• اردشیر انتظامی در سال ۱۳۶۹ به مطالعه رابطه گرایش به غرب با تعلقات و گرایش های ساختی دانش آموزان کلاسهای سوم و چهارم دبیرستانهای شهر تهران پرداخت. وی برای اجرای این تحقیق در ابتدا بر اساس روش ترستون، مقیاسی به منظور سنجش گرایش نسبت به غرب و سپس بر اساس مطالعات نظری در باب غربگرایی، پرسشنامه ای برای سنجش تعلقات و گرایشهای ساختی دانش آموزان نسبت به غرب تهیه کرده است. پرسشنامه و مقیاس مزبور همزمان به حدود ۸۰۰ دانش آموز از ۱۳ دبیرستان دخترانه و پسرانه شهر تهران ارائه گردید.

چهارچوب و مدل نظری تحقیق

بر اساس نظریه روزنبرگ و هاوولد دانشجویان با دریافت محرک (این محرک می تواند برنامه فرهنگی، نحوه اجرای برنامه، آگاهی از برنامه، ارزیابی از برنامه و... باشد) بعنوان یک متغیر مستقل آنرا ادراک کرده و با کسب اطلاعات و دانش از آن به یک باور یا عقیده در مورد آن پدیده می رسند که بر اساس آن احساسی نسبت به آن (برنامه های فرهنگی) پیدا می نمایند، این احساس که حاصل ارزیابی مثبت یا منفی از محرک می باشد، نهایتاً نوعی تمایل، جهت گیری یا آمادگی رفتاری در افراد بوجود می آورد (Hewstone et al, 2001: 144-5). که باعث شرکت یا عدم شرکت آنها در برنامه های فرهنگی دانشگاه می شود.

از آنجا که براساس نظر رایینز و اسکاتز ارزشها شدیداً در رابطه با گرایش هستند، میزان دینداری با گرایش به برنامه های فرهنگی در ارتباط می باشد، چرا که برنامه های فرهنگی در حکومت اسلامی عموماً بر مبنای ارزشهای دینی و مذهبی تنظیم می شود. همچنین برطبق دیدگاه این دو نظریه پرداز که بین ارزشها و گرایش ارتباط برقرار می کنند چنین استنباط می شود که اگر دانشجویان به ارزشهای فرهنگی غرب گرایش داشته باشند (با توجه به اینکه ارزشهای فرهنگی غرب در بسیاری از ابعاد با برنامه فرهنگی ایران در تعارض است) بنابراین گرایش به فرهنگ غرب می تواند با گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی دانشگاه رابطه معکوس داشته باشد و یا بر گرایش دانشجویان به برنامه ها تاثیر منفی داشته باشد، چراکه برنامه های فرهنگی دانشگاه از سوی دستگاه هایی برنامه ریزی و اجرا می شود که از سوی یک نظام دینی و مذهبی هدایت می شود و این نظام دینی و مذهبی در بسیاری موارد با فرهنگ غرب در تعارض است.

برطبق نظر میشل مان می توان استنباط کرد که دانشجو پس از آگاهی از برنامه فرهنگی برای گرایش به آن هدایت می شود. بعلاوه "مان" در ساختار گرایش به ارتباط مداوم فرآیندهای روانشناختی فردی و محیط توجه دارد (Mann, 1989: 16)، به عبارت دیگر دانشجو با توجه به ویژگیهای شخصیتی و وجود عقیده و موقعیت هایی که در آن موقعیت ها گرایش نسبت به یک پدیده شکل می گیرد یا ابراز می شود گرایش یا عدم گرایش به برنامه ها پیدا می کند.

تزیسه و کرومکا در دیدگاه خود گرایش را به سه بعد تجزیه و معتقدند که گرایش دارای سه دسته از عناصر است. عناصر ادراکی، عناصر ارزش یابانه، عناصر عملی و رفتاری، (به نقل از رفیع پور، ۱۳۶۴: ۱۶) (Ziche & Kromka, 1970) منظور از عناصر ادراکی، برای مثال اطلاعات ذهنی دانشجویان درباره برنامه های فرهنگی است. عناصر ارزش یابانه عناصری همچون آگاهی از اهداف برنامه هایی است که از طریق آن دانشجو فایده موضوع گرایش را ارزیابی می کند. عناصر عملی و رفتاری نشان می دهند

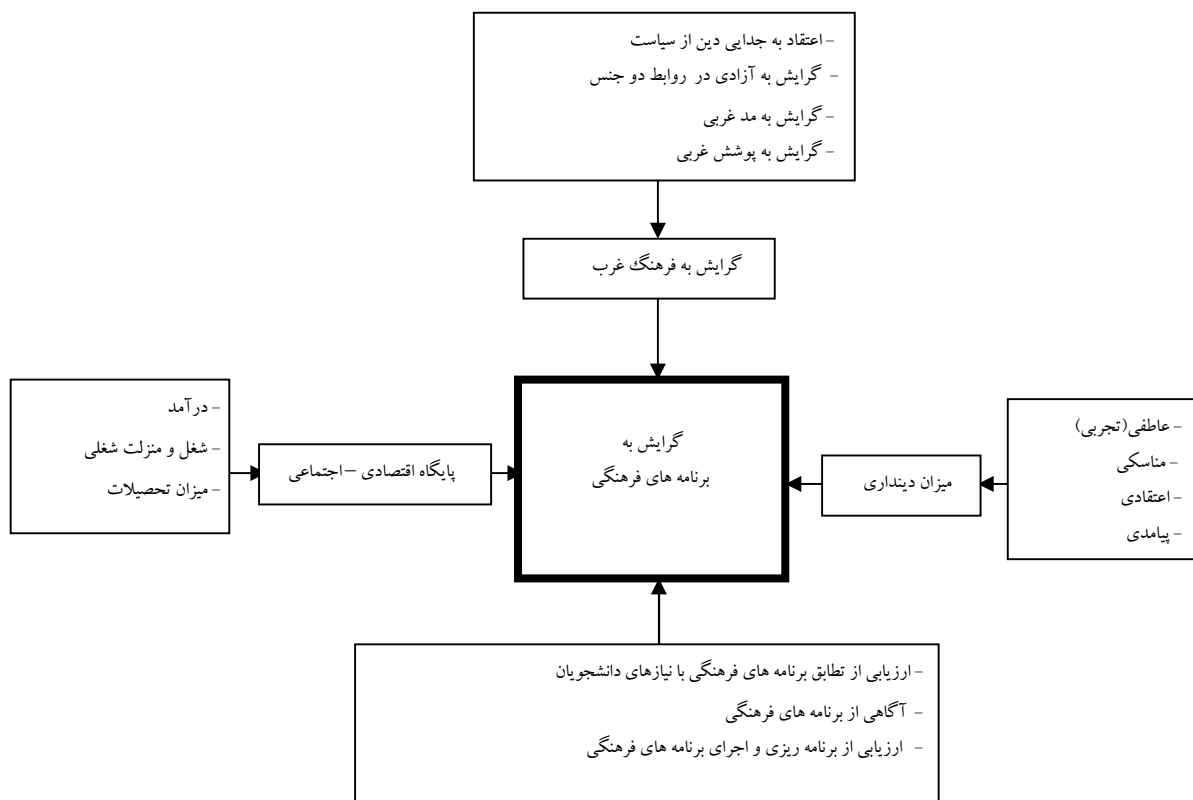
که برای مثال مشارکت در برنامه های فرهنگی دانشگاه چه تاثیری در رسیدن آنان به اهداف و حل مشکلات و موانع زندگی آنان دارد.

با استفاده از نظر کیمبل می توان گفت تجربیات دانشجویان از یک برنامه گرایش او را شکل می دهد، آنچه دانشجویان از یک برنامه فرهنگی تجربه می کنند همان گرایش آنها نسبت به آن برنامه است. وقتی آنان در تجربه قبلی خود از یک برنامه احساس خوشایندی داشته باشند، در اینجا گرایش مثبتی نسبت به آن برنامه در آنها شکل می گیرد و وقتی همراه با یک محرک احساس منفی تجربه شده باشد نسبت به آن محرک یک گرایش منفی در افراد دریافت کننده محرک شکل خواهد گرفت. همچنین کیمبل نمایشهای مهیج یا تبلیغات و اطلاع رسانی گسترده را بر شکل گیری و تغییر گرایشها مؤثر می داند. اگر این نمایش های حماسی مهیج با تجربیات چند گانه همراه باشند می توانند گرایشهای قویتری تولید کنند. در مورد شکل گیری گرایشها نیز می توان به تجربه های زندگی دانشجویان و تفاوت محیط های فرهنگی و خرده فرهنگی های روستایی و شهری، نژادی و قومی و اجتماعی اشاره کرد.

با توجه به مباحث نظری بیان شده می توان نتیجه گرفت که میزان دینداری، آگاهی از برنامه های فرهنگی، نحوه برنامه ریزی و اجرای برنامه ها، گرایش به فرهنگ غرب، از جمله عواملی هستند که بر گرایش دانشجویان نسبت به برنامه های فرهنگی تاثیر می گذارند و یا با آن در رابطه هستند.

مدل نظری تحقیق

با عنایت به آنچه در مباحث نظری تحقیق بر شمرده شد، مقاله حاضر برای بررسی یافته های خود، از الگوی زیر استفاده می نماید. در این الگو علاوه بر متغیرها برخی از شاخصها نیز ترسیم شده اند.



مدل نظری عوامل مؤثر بر میزان گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی دانشگاه

فرضیه های تحقیق

(۱) هر چقدر میزان آگاهی دانشجویان از برنامه های فرهنگی بیشتر باشد میزان گرایش آنان به برنامه های فرهنگی بیشتر می شود.

- ۲) هر چه میزان اعتقادات دینی دانشجویان بیشتر باشد میزان گرایش آنان به برنامه های فرهنگی بیشتر می شود.
- ۳) هر چه میزان گرایش دانشجویان به فرهنگ غرب بیشتر باشد میزان گرایش آنان به برنامه های فرهنگی دانشگاه کمتر می شود.
- ۴) دانشجویانی که پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری در جامعه دارند میزان گرایش بالاتری به برنامه های فرهنگی دانشگاه دارند.
- ۵) گرایش دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی به برنامه های فرهنگی دانشگاه بیشتر از دانشجویان دانشگاه آزاد تهران شرق است.

نوع مطالعه، روش و نحوه اجرای تحقیق

این مطالعه در سطح همبستگی، تبیینی و مقایسه ای با استفاده از روش پیمایشی صورت گرفته است، بنابراین چهار دسته آماره توصیفی، همبستگی، مقایسه ای و علی وجود دارد. جمع آوری داده ها در راستای پاسخگویی به سؤالات تحقیق از طریق گرفته است.

تکنیک گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته و به شیوه توزیع پرسشنامه حضوری یعنی مراجعه پرسشگر به پاسخگوبوده است. پرسشنامه پس از مطالعه و احصاء فعالیت های فرهنگی در دانشگاه طراحی شده است. پرسشنامه با سؤالات غیر مستقیم و ساخت طیف های مختلف ابزار مناسبی برای سنجش، درجه بندی یا ارزشیابی گرایش دانشجویان می باشد. این پرسشنامه در راستای اهداف و سؤالات تحقیق تهیه شده و پس از کسب اطمینان از ملاک های روایی و اعتبار مورد استفاده قرار گرفته است. گزینه های سؤالات بسته این پرسشنامه در قالب مقیاس لیکرت و سؤالات چند گزینه ای تنظیم گردید. زیرا مقیاس لیکرت یکی از رایج ترین مقیاس های اندازه گیری گرایش های افراد می باشد.

این پژوهش در دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق و دانشگاه دولتی شهید بهشتی انجام شده است. که جامعه آماری، دانشگاه تهران شرق شامل پنج گروه (علوم اجتماعی، حسابداری، تربیت بدنی، جهانگردی و هنر) از دانشکده علوم انسانی و هنر می باشد، و دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی تهران شامل رشته های تاریخ، علوم اجتماعی، زبان و ادبیات عرب، زبان و ادبیات آلمانی، زبان و ادبیات انگلیسی، زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات فرانسه، زبان شناسی، زبان چینی و فلسفه است. بر اساس آمارهای سال ۱۳۸۹ تعداد کل دانشجویان دانشکده علوم انسانی و هنر دانشگاه تهران شرق ۳۰۰۰ دانشجو (۱۶۴۲ دختر و ۱۳۵۸ پسر) گزارش شده است. دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد با هر رده سنی مدنظر است. تعداد کل دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی در این سال ۵۰۰۰ نفر گزارش شدند.

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} \div \left(1 + \frac{1}{n} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right) \right)$$

حجم نمونه از طریق فرمول کوکران بدست می آید . حجم نمونه کل برابر با ۵۲۸ نفر است.

حجم نمونه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق: ۱۶۹ ، حجم نمونه دانشگاه شهید بهشتی: ۳۵۹
روش نمونه گیری، احتمالی خوشه ای بوده است. چون تمام کلاس های درسی هر نیمسال تحصیلی در طول هفته برگزار می گردد محقق نمونه را از کلاس های هر ترم (در یک مقطع زمانی) که در روزهای زوج هفته برگزار می شود بدست آورده است.

آزمون برازش داده ها

در این تحقیق اجرای آزمون آلفا کرونباخ برای تعیین حدود اعتماد به کاررفته است، این ضریب برای محاسبه انسجام درونی ابزار اندازه گیری با مقیاس هایی که از نوع لیکرت تعریف شده اند، مفید است. ابتدا پرسشنامه تهیه شده روی یک نمونه ۵۰ نفری از جمعیت نمونه اجرا گردید و آلفا کرونباخ همه مولفه های آن بدست آمد که بالای ۰/۷ می باشد. پس از اجرای نهایی و جمع آوری اطلاعات میدانی یکبار دیگر ضرایب آلفای کرونباخ کل و زیر مقیاس های پرسشنامه محاسبه گردید که به شرح جدول زیر است:

جدول ۱: اندازه آلفا کرونیخ

عنوان متغیر	تعداد مؤلفه	اندازه آلفا
گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی دانشگاه	۳۷	۰/۹۶
گرایش دانشجویان به فرهنگ غرب	۱۲	۰/۸۶
میزان دینداری دانشجویان	۲۶	۰/۸۲
آگاهی دانشجویان از برنامه های فرهنگی	۳	۰/۷۰
ارزیابی دانشجویان از برنامه ریزی و اجرای برنامه های فرهنگی	۳	۰/۷۰
ارزیابی از میزان تطابق برنامه های فرهنگی با نیازهای دانشجویان	۳	۰/۶۸

در این تحقیق اعمال اعتبار صوری به بالا بردن اعتبار ابزار کمک کرده است. در این فرآیند شاخص ها و سؤالات برای تعداد ۱۰ نفر از اساتید و صاحب نظران فرهنگی دانشگاه و روش تحقیق، ارسال گردید و از آنان خواسته شد تا نقطه نظرات خود را پیرامون شاخص ها و سؤالات اعلام دارند.

یافته های توصیفی تحقیق

از بین کل پاسخ گویان ۲۷ درصد در رشته معماری در حال تحصیل بودند. دانشجویان رشته های تربیت بدنی، علوم اجتماعی و حسابداری در رده های بعدی قرار داشتند. رشته روزنامه نگاری کمترین تعداد را داشته است. ۵۴٫۷ درصد از دانشجویان مورد مطالعه زن و ۴۵ درصد مرد بودند. ۶۲٫۸ درصد از دانشجویان مورد مطالعه در دانشگاه شهید بهشتی مشغول ادامه تحصیل بودند و ۳۷٫۲ درصد در دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق تحصیل می کردند. از بین دانشجویان مورد مطالعه ۷۱ درصد در مقطع کارشناسی و حدود ۱۶ درصد کارشناسی ارشد و ۱۲ درصد کاردانی و ۰٫۷ درصد در مقطع دکتری در حال ادامه تحصیل بودند.

مقایسه میزان گرایش دانشجویان به فرهنگ غرب در دو دانشگاه شهید بهشتی و آزاد اسلامی واحد تهران شرق

برای سنجش این متغیر از تعداد ۱۲ گویه استفاده شده است. بر اساس معدل ارزیابی ۵ گویه ای که کمترین میزان گرایش به فرهنگ غرب را در مجموع دو دانشگاه نشان می دهد عبارتند از: روابط جنسی فقط با ازدواج امکان پذیر است و شکل دیگری را نمی توان برای آن تصور کرد، برای داشتن جامعه سالم دین باید سرلوحه و مبنا قرار گیرد، ریشه تمام مشکلات در جوامع بشری و جامعه ما دور شدن از باورهای دینی است، سبک های آرایشی به شیوه غربی هیچگونه جذابیتی ندارد و در انتخاب دوست تطابق جنسیت را باید مد نظر قرار داد. در واقع دانشجویان کمتر با این گویه ها مخالفت داشته اند بنابر این در این گویه ها گرایش آنان به فرهنگ غرب کمتر است اما به طور کلی اگر نمره ۲۰ بالاترین ارزش گرایش به فرهنگ غرب در هر گویه محسوب شود به جز گویه های (روابط جنسی فقط با ازدواج امکان پذیر است و شکل دیگری را نمی توان برای آن تصور کرد، برای داشتن جامعه سالم دین باید سرلوحه و مبنا قرار گیرد، ریشه تمام مشکلات در جوامع بشری و جامعه ما دور شدن از باورهای دینی است) بقیه گویه ها از نظر کسب نمره گرایش به فرهنگ غرب دارای نمره ای بالاتر از ۱۰ می باشند. پنج گویه با گرایش کم در دانشگاه شهید بهشتی عبارت است از: روابط جنسی فقط با ازدواج امکان پذیر است و شکل دیگری را نمی توان برای آن تصور کرد، برای داشتن جامعه سالم دین باید سرلوحه و مبنا قرار گیرد، ریشه تمام مشکلات در جوامع بشری و جامعه ما دور شدن از باورهای دینی است، انسان باید با زمان پیش برود و خود را با الگوها و مد روز هماهنگ کند و سبک های آرایشی به شیوه غربی هیچگونه جذابیتی ندارد. گرایش دانشجویان در این دانشگاه در دو گویه کمتر از ۱۰ اما در سایر گویه ها بیشتر از ۱۰ بدست آمده است. همچنین پنج گویه با گرایش کم در دانشگاه تهران شرق عبارتند از: ریشه تمام مشکلات در جوامع بشری و جامعه ما دور شدن از باورهای دینی است، برای داشتن جامعه سالم دین باید سرلوحه و مبنا قرار گیرد، روابط جنسی فقط با ازدواج امکان پذیر است و شکل دیگری را نمی توان برای آن تصور کرد، در انتخاب دوست تطابق جنسیت را باید مد نظر قرار داد و رعایت حجاب اسلامی

نشانه متدین بودن فرد است. در دانشگاه تهران شرق به جز ۵ مؤلفه نشان دهنده گرایش کم به فرهنگ غرب بقیه گویه ها بیشتر از ۵۰٪ نمره گرایش به فرهنگ غرب را کسب کرده اند.

مقایسه میزان دینداری دانشجویان در دو دانشگاه شهید بهشتی و آزاد اسلامی واحد تهران شرق

میزان دینداری دانشجویان با ۲۶ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. در مجموع در دو دانشگاه اغلب گویه های سنجش میزان دینداری نمره ای بالاتر از ۱۰ را کسب کرده اند اما ۶ گویه نیز نشان دهنده نمره دینداری کمتر از ۱۰ می باشد که عبارتند از: زنان نیز باید بتوانند به عنوان تماشاچی در مسابقات ورزشی مثل فوتبال شرکت کنند، برای ادای نماز، رفتن به مسجد ضرورتی ندارد، بنظر می رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی توان در جامعه امروز اجرا کرد، با پدیده بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد، حتی اگر وقت هم داشته باشم در نماز جمعه شرکت نمی کنم، همکاری با سازمانهای غیر دولتی و حقوق بشر بهتر از همکاری با مسجد محل یا هر مؤسسه اسلامی دیگر است. در دانشگاه شهید بهشتی نیز ۶ گویه نمره کمتر از ۱۰ گرفته است که عبارتند از: زنان نیز باید بتوانند به عنوان تماشاچی در مسابقات ورزشی مثل فوتبال شرکت کنند، با پدیده بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد، حتی اگر وقت هم داشته باشم در نماز جمعه شرکت نمی کنم، برای ادای نماز، رفتن به مسجد ضرورتی ندارد، بنظر می رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی توان در جامعه امروز اجرا کرد و همواره در اعیاد مذهبی و مراسم عزاداری ها که در مساجد و تکیه ها برگزار می شود، شرکت می کنم. در دانشگاه تهران شرق نیز ۶ گویه نمره کمتر از ۱۰ گرفته است که عبارتند از: زنان نیز باید بتوانند به عنوان تماشاچی در مسابقات ورزشی مثل فوتبال شرکت کنند، بنظر می رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی توان در جامعه امروز اجرا کرد، همکاری با سازمانهای غیر دولتی و حقوق بشر بهتر از همکاری با مسجد محل یا هر مؤسسه اسلامی دیگر است، فرد دانشگاهی به جای روخوانی قرآن کریم بهتر است در رشته علمی خود عمیق شود، درجهان امروز انسان به جای روزه گرفتن در ایام ماه رمضان برای حفظ سلامتی خود ابزارهای زیادی در اختیار دارد و برای ادای نماز، رفتن به مسجد ضرورتی ندارد.

مقایسه میزان آگاهی و ارزیابی دانشجویان از برنامه ها (تطبیق با نیازها، وضع برنامه ریزی و اجرا) در دو دانشگاه شهید بهشتی و آزاد اسلامی واحد تهران شرق

در مجموع دو دانشگاه و همچنین در دانشگاه شهید بهشتی هیچ کدام از گویه ها نمره ۱۰ و بالاتر نگرفته است و این نتیجه نشان می دهد که دانشجویان از برنامه های فرهنگی آگاهی مناسبی ندارند و میزان تطبیق این برنامه ها را با نیازهایشان ضعیف ارزیابی می کنند و همچنین وضع برنامه ریزی و اجرای برنامه های فرهنگی در دانشگاه از نگاه دانشجویان مناسب نمی باشد. اما در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق فقط دو مؤلفه از نگاه دانشجویان این دانشگاه نمره قبولی بدست آورده است که عبارتند از: محتوای برنامه های فرهنگی دانشگاه از نیازهای واقعی دانشجویان برخاسته است و معمولاً برای اجرای برنامه های فرهنگی زمان مناسب پیش بینی می شود.

مقایسه میانگین گرایش دانشجویان بر حسب دانشگاه

در مقایسه میزان دینداری دانشجویان با آزمون T نتیجه نشان می دهد که میانگین گرایش دینی دانشجویان در دو دانشگاه متفاوت است و میانگین گرایش دینی در دانشگاه شهید بهشتی بیشتر از دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق می باشد. بین میانگین گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی دانشگاه در دو دانشگاه شهید بهشتی و تهران شرق و همچنین بین میانگین گرایش دانشجویان به فرهنگ غرب در دو دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق تفاوت معناداری وجود ندارد و میانگین گرایش یکسان می باشد. بین میانگین ارزیابی دانشجویان از میزان تطابق برنامه های فرهنگی با نیازهایشان در دو دانشگاه شهید بهشتی و تهران شرق تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین یکسان نمی باشد. در ارزیابی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق این میانگین بیشتر است و بنابراین ارزیابی مثبت تری از میزان تطابق برنامه های فرهنگی دانشگاه با نیازهای خود دارند.

بین میانگین میزان آگاهی دانشجویان از برنامه های فرهنگی دانشگاه در دو دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق و همچنین بین میانگین ارزیابی دانشجویان از میزان برنامه ریزی و اجرای برنامه های فرهنگی در دو دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق تفاوت معناداری وجود ندارد و میانگین ارزیابی در دو دانشگاه یکسان می باشد .

نتایج آزمون روابط همبستگی متغیرها

با توجه به آزمون پیرسون (۱) هرچقدر میزان آگاهی دانشجویان از برنامه های فرهنگی بیشتر باشد میزان گرایش آنان به برنامه های فرهنگی بیشتر می شود. (۲) هر چه میزان اعتقادات دینی دانشجویان بیشتر باشد میزان گرایش آنان به برنامه های فرهنگی بیشتری شود. (۳) هرچه میزان گرایش دانشجویان به فرهنگ غرب بیشتر باشد میزان گرایش آنان به برنامه های فرهنگی دانشگاه کمتر می شود.

بر اساس آزمون t (۱) بین میانگین گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی در دو دانشگاه شهید بهشتی و تهران شرق تفاوت معناداری وجود ندارد و میانگین گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی در دو دانشگاه یکسان می باشد . (۲) همچنین بین میانگین ارزیابی دانشجویان از میزان برنامه ریزی و اجرای برنامه های فرهنگی دو دانشگاه شهید بهشتی و تهران شرق تفاوت معناداری وجود ندارد و میانگین ارزیابی دانشجویان در دو دانشگاه یکسان می باشد .

عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی دانشگاه

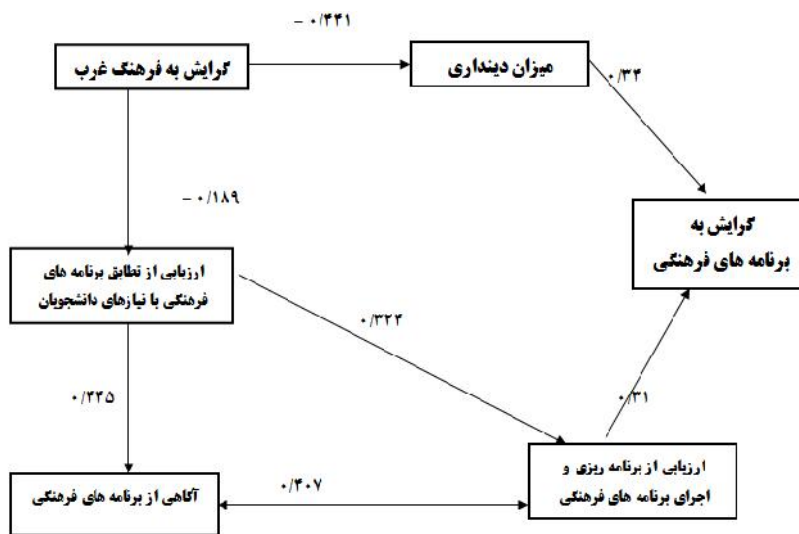
برای بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی دانشگاه از آزمون های آماری رگرسیون چند متغیری و تحلیل مسیر استفاده شده است.

مقایسه متغیرها نشان می دهد که اولاً تأثیر دو متغیر میزان دینداری و ارزیابی از برنامه ریزی و اجرای برنامه های فرهنگی بر گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی معنی دار است، اما ۴ متغیر دیگر به خاطر اینکه سطح خطای مقدار t آنها بالاتر از ۰/۰۵ می باشد نشان دهنده این است که بر متغیر وابسته گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی تأثیر مستقیم نداشته اند . ثانیاً متغیرهای میزان دینداری با ضریب رگرسیونی ۰/۳۴ و ارزیابی از برنامه ریزی و اجرای برنامه های فرهنگی با ضریب ۰/۳۱ به ترتیب بالاترین تأثیر رگرسیونی را روی متغیر گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی داشته اند . تفسیر این دو متغیر بدینگونه است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر میزان دینداری دانشجویان از سوی دیگر میزان گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی دانشگاه به میزان ۰/۳۴ انحراف استاندارد افزایش خواهد داشت و به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر میزان ارزیابی از برنامه ریزی و اجرای برنامه های فرهنگی، گرایش فرد به برنامه های فرهنگی دانشگاه به اندازه ۰/۳۱ انحراف استاندارد افزایش می یابد .

با توجه به جداول رگرسیون و اینکه مقدار ضریب همبستگی (R)، بین متغیرها ۰,۳۴ است بنابراین بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته در حد متوسط همبستگی وجود دارد . اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R Square) که برابر ۰/۲۹ می باشد نشان می دهد که ۲۹٪ از کل تغییرات گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی دانشگاه وابسته به ۶ متغیر مستقل ذکر شده در این معادله می باشد . به عبارت دیگر مجموع متغیرهای مستقل حدود یک سوم از واریانس متغیر میزان گرایش دانشجویان را پیش بینی یا برآورد می کند. هر چه R^2 بزرگتر باشد مدل مناسب تر است. با توجه به معنی دار بودن مقدار آزمون F (۶/۲۹۷) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون این تحقیق مرکب از متغیرهایی مستقل شامل (پایگاه اقتصادی واجتماعی، میزان دینداری، میزان گرایش به فرهنگ غرب، ارزیابی از میزان تطابق برنامه های فرهنگی با نیازهای دانشجویان، میزان آگاهی از برنامه های فرهنگی و ارزیابی از میزان برنامه ریزی و اجرای برنامه های فرهنگی) و متغیر وابسته میزان گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی مدل مناسبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قدرمی باشند تغییرات میزان گرایش به برنامه های فرهنگی را تبیین کنند. در این قسمت به تلفیق مراحل تحلیل مسیر پرداخته می شود و به صورت یک جا گزارش می گردد و مدل نظری به

مدل تجربی تبدیل می شود. بنابراین، تأثیر ۵ متغیر مستقل تأثیر گذار بر متغیر وابسته میزان گرایش به برنامه های فرهنگی به سه صورت نشان داده می شود.

- (۱) هیچ متغیری صرفاً به صورت مستقیم بر متغیر میزان گرایش به برنامه های فرهنگی دانشگاه تأثیر نگذاشته است.
- (۲) متغیرهایی که صرفاً به صورت غیرمستقیم بر میزان گرایش به برنامه های فرهنگی دانشگاه تأثیر گذاشته اند، شامل میزان گرایش به فرهنگ غرب، ارزیابی از میزان تطابق برنامه های فرهنگی با نیازهای دانشجویان و میزان آگاهی از برنامه های فرهنگی دانشگاه می شوند.
- (۳) هیچ متغیری علاوه بر تأثیر مستقیم، به صورت غیرمستقیم و با واسطه متغیرهای وابسته میانی بر متغیر میزان گرایش به برنامه های فرهنگی دانشگاه تأثیر نداشته.



مدل تجربی عوامل مؤثر بر میزان گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی دانشگاه

نتیجه گیری

از آنجا که براساس نظر رایینز و اسکاتز ارزشها شدیداً در رابطه با گرایش هستند، میزان دینداری با گرایش به برنامه های فرهنگی در ارتباط می باشد چرا که برنامه های فرهنگی در حکومت اسلامی عموماً بر مبنای ارزشهای دینی و مذهبی تنظیم می شود. متغیر میزان دینداری دانشجویان ۰,۳۴ بر متغیر میزان گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی تأثیر دارد با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر میزان دینداری دانشجویان، میزان گرایش ۰,۳۴ انحراف استاندارد افزایش می یابد. همچنین بر طبق دیدگاه این دو نظریه پرداز که بین ارزشها و گرایش ارتباط برقرار می کنند چنین استنباط می شود که اگر دانشجویان به ارزشهای فرهنگی غرب گرایش داشته باشند (با توجه به اینکه ارزشهای فرهنگی غرب در بسیاری از ابعاد با برنامه فرهنگی نظام اسلامی ایران در تعارض است) بنابراین گرایش به فرهنگ غرب می تواند با گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی دانشگاه در نظام اسلامی ایران رابطه معکوس داشته باشد و یا تأثیر منفی بر گرایش دانشجویان به برنامه ها داشته باشد. چراکه برنامه های فرهنگی دانشگاه از سوی دستگاه هایی برنامه ریزی و اجرا می شود که از سوی یک نظام دینی و مذهبی هدایت می شود و این نظام دینی و مذهبی در بسیاری موارد با فرهنگ غرب در تعارض است. ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) رابطه علی دو متغیر مدل بالا نشان می دهد که متغیر گرایش دانشجویان به فرهنگ غرب ۰,۴۴۱- بر متغیر میزان دینداری دانشجویان تأثیر دارد، با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر گرایش دانشجویان به فرهنگ غرب میزان دینداری دانشجویان ۰,۴۴۱- انحراف استاندارد کاهش می یابد. بر عکس کاهش یک انحراف استاندارد در متغیر گرایش دانشجویان به فرهنگ غرب موجب افزایش ۰,۴۴۱- انحراف استاندارد در متغیر میزان دینداری دانشجویان خواهد شد.

برطبق نظر میشل مان می توان استنباط کرد که دانشجو پس از آگاهی از برنامه فرهنگی برای گرایش به آن هدایت می شود. بعلاوه "مان" در ساختار گرایش به ارتباط مداوم فرآیندهای روانشناختی فردی و محیط توجه دارد، به عبارت دیگر دانشجو با توجه به ویژگیهای شخصیتی و وجود عقیده و موقعیتهایی که در آن موقعیتهای گرایش نسبت به یک پدیده شکل می گیرد یا ابراز می شود گرایش یا عدم گرایش به برنامه ها پیدا می کند. ارزیابی دانشجویان از میزان تطابق برنامه های فرهنگی با نیازهایشان نیز ۰,۴۴۵ بر آگاهی دانشجویان از برنامه های فرهنگی تأثیر دارد.

با استفاده از نظر کیمبل می توان گفت تجربیات دانشجو از یک برنامه گرایشهای او را شکل می دهد، آنچه دانشجویان از یک برنامه فرهنگی تجربه می کنند همان گرایش آنها نسبت به آن برنامه است. وقتی آنان در تجربه قبلی خود از یک برنامه احساس خوشایندی داشته باشند، در اینجا گرایش مثبتی نسبت به آن برنامه در آنها شکل می گیرد و وقتی همراه با یک محرک احساس منفی تجربه شده باشد نسبت به آن محرک یک گرایش منفی در افراد دریافت کننده محرک شکل خواهد گرفت. همچنین کیمبل نمایشهای مهیج یا تبلیغات و اطلاع رسانی گسترده را بر شکل گیری و تغییر گرایشها مؤثر می داند. اگر این نمایش های حماسی مهیج با تجربیات چندگانه همراه باشند می توانند گرایشهای قویتری تولید کنند. درمورد شکل گیری گرایشها نیز می توان به تجربه های زندگی دانشجو و تفاوت محیط های فرهنگی و خرده فرهنگی های روستایی و شهری، نژادی و قومی و اجتماعی اشاره کرد.

پیشنادهای کاربردی

داشتن برنامه های جذاب و مناسب برای تأثیر گذاری بر دانشجویان و جذب جوانان با سلیقه های مختلف به سوی مسائل ارزشی ضروری است. در این شرایط علت عدم تحول در دانشجویان هم کیفیت پایین برنامه ها و هم خوب عمل نکردن مجریان است یا این که برخی برنامه ها بسیار آرمانی بوده و در شرایط فعلی قابل اجرا نمی باشند.

(۱) تناسب برنامه ها با نیاز و مقتضیات رشته و مقطع تحصیلی دانشجویان عامل مهمی در موفقیت برنامه ها می باشد. چنانچه دانشجویان در برنامه ریزی و اجرای برنامه های فرهنگی مشارکت اساسی داشته باشند و با آگاهی دخالت داشته باشند این برنامه ها مورد استقبال آنها قرار می گیرد.

(۲) برنامه ریزی برای جامعه پذیری دینی جوانان قبل از ورود به دانشگاه، آنان را بیشتر به برنامه های فرهنگی از نوع مذهبی در دانشگاه متمایل می کند.

(۳) کاهش گرایش دانشجویان به فرهنگ غرب در افزایش گرایش آنان به برنامه های فرهنگی دانشگاه تأثیر دارد. می توان با طراحی برنامه های فرهنگی مجاز و مشروع متکی بر هویت ملی و عناصر نو در فرهنگ از تمایل دانشجویان به فرهنگ غرب جلوگیری کرد.

(۴) مقبولیت متولیان فرهنگ و برنامه های فرهنگی در دانشگاه به ویژه در دانشگاههای دولتی از عوامل مؤثر بر علاقه مند کردن دانشجویان به برنامه ها است. سرآمد بودن این مسئولان در فرهنگ ضرورت دارد.

(۵) برنامه های با ماهیت غیر حکومتی و صرفاً فرهنگی و علمی بیشتر مورد استقبال دانشجویان است، هر چه از صبغه حکومتی و ایدئولوژیک برنامه ها کاسته شود برنامه موفقیت بیشتری دارد.

منابع

- (۱) انتظامی، اردشیر (۱۳۶۹). «رابطه نگرش به غرب با تعلقات و گرایشهای ساختی دانش آموزان کلاسهای سوم و چهارم دبیرستانهای شهر تهران». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده تربیت مدرس.
- (۲) آلپورت، گوردون دبیلو؛ ادوارد ای جونز (۱۳۷۱). **روانشناسی اجتماعی از آغاز تاکنون**. ترجمه محمدتقی منشی طوسی. تهران: معاونت فرهنگی آستان قدس.

عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به برنامه های فرهنگی دانشگاه/ ۱۱۱

- ۳) جواهری فاطمه، (۱۳۸۶)، کند و کاو در آثار قشربندی جامعه: بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی بر گرایش ها و رفتار آنان، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ویژه نامه جامعه شناسی شماره ۵۳.
- ۴) حبیب پور گنجابی، کرم. رضا صفری شالی (۱۳۸۸). **راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده های کمی)**. تهران: انتشارات لویه، متفکران.
- ۵) رفیع پور، فرامرز (۱۳۶۴)، **جامعه روستایی و نیاز های آن: پژوهشی در سی و دو روستای استان یزد**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۶) زیباکلام، صادق (۱۳۸۰). **دانشگاه و انقلاب**، تهران: نشر روزنه.
- ۷) صباغ پور، علی اصغر (۱۳۷۳). «بررسی نگرشهای سیاسی مذهبی جوانان ذکور تهرانی (۲۲ تا ۱۷ سال) و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن». پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۸) عبدالله، عبدالمطلب. جعفریان، مسعود (۱۳۸۱). **الگوهای رفتاری و مذهبی دانشجویان در دوران تحصیل. فصلنامه دانشگاه اسلامی**، سال ۶، شماره ۱۴، صص ۱۵۹-۱۸۲.
- ۹) عبدالمطلب، محمد؛ حسین بر، محمد عثمان (۱۳۸۱). **گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران. مجله جامعه شناسی ایران**، دوره چهارم، شماره ۱۰۱، ۴-۱۲۶.
- ۱۰) قانع راد و قاضی پور (۱۳۸۱). **عوامل هنجاری و سازمانی مؤثر بر میزان بهره وری اعضای هیئت علمی. فصلنامه پژوهش فرهنگی**، شماره ۴.
- ۱۱) کلاتری، خلیل (۱۳۸۲). **پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی**، تهران: شریف.
- ۱۲) مان، ل، نرمان (۱۳۶۸). **اصول روانشناسی**، ترجمه دکتر ساعتچی، جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۳) ملیحه نیک کار و همکاران در سال (۱۳۸۴). **بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه شیراز نسبت به برنامه های فرهنگی و هنری و عوامل مؤثر بر شرکت آنها در این گونه فعالیت ها، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، شماره ۴۵.
- ۱۴) هاشم زهی، نوروز (۱۳۸۰). **تحلیلی بر حرکت های دانشجویی در ایران (تا سال ۱۳۷۷ ه. ش.)**، تهران: پژوهشکده فرهنگ و معارف.
- 15) Campbell, A. A. (1947). 'Factors associated with attitudes towards Jews'. In: T. M. Newcomb, & E. L. Hartley (Eds.). *Readings in social psychology*. New York.
- 16) Hewstone, M. & Cairns, E. (2001). **Social psychology and intergroup conflict** In D. Chirof & M.E.P. Seligman (Eds). *Ethno-political warfare: Causes, consequences, and possible solutions*. Washington, DC (American Psychological Association).
- 17) Mann, D. (1989). "Pedagogy and Politics: Effective Schools and American Educational Politics". En Reynolds, D. y Cuttance, P. (eds.), *New Directions in School Effectiveness and School Improvement*. Londres: Cassell.
- 18) Chang, S., Yeung, Y., & Cheng, M. (2009). Ninth graders' learning interests, life experiences and attitudes towards science & technology. **Journal of science Education and technology**, 18, 447-457.
- 19) Weidman, J. C (2008), **Socialization in Higher Education**, University of Pittsburgh, USA, Chain National University, Taiwan, 20 November.